

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال سیزدهم ♦ شماره ۵۲ ♦ زمستان ۱۴۰۲
صفحات: ۲۸-۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳



بررسی تطبیقی مؤلفه‌های اندیشه موسسان اخوان المسلمین و وهابیت

مهدی زندی*

چکیده

اخوان المسلمین و وهابیت در برخی تحلیل‌ها، دو جریان همگرا هستند. با بررسی آثار اصلی اخوان در مورد عقیده و منهج و سیاست‌های کلی حاکم بر این جریان، معلوم می‌شود که این همگرایی، چندان قابل دفاع نیست. در این نوشتار سعی شده است با روشی توصیفی-تطبیقی، ویژگی‌های متمایز اخوان المسلمین از وهابیت، در چهار محور اندیشه توحیدی، اندیشه تکفیری، اندیشه تقریبی و اندیشه سیاسی بررسی شود؛ بر اساس این نوشتار تطبیقی، اخوان المسلمین و وهابیت در این چهار محور تفاوت‌های بنیادی دارند؛ در حالی که وهابیت جریانی ضد تقریب، تکفیری، مخالف با اسلام سیاسی و دارای برداشتی متفاوت از توحید و شرک است؛ اما اخوان، جریانی تقریبی، ضد تکفیر، معتقد به اسلام سیاسی و ملتزم به نظریه جمهور مسلمانان در توحید و شرک است.

کلیدواژه‌ها: اخوان المسلمین، وهابیت، سکولاریسم، اسلام سیاسی، تقریب، توحید.

مقدمه

جریان اخوان المسلمین در پی رشد و گسترده‌گی جغرافیایی و افزایش اعضا در سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۴، و تأثیرگذاری‌های این جریان بر اتفاقات مهم سیاسی-فرهنگی، مورد توجه جدی محافل سیاسی و فرهنگی و مذهبی قرار گرفت؛^۱ در نتیجه گرایش‌ها و شاخه‌های درونی اخوان المسلمین ایجاد شد.^۲ این اتفاق، تحلیل‌گران اخوان را به طرح مدل‌های مختلف جریان‌شناسی از اخوان واداشت. برخی تحلیل‌گران، اخوان المسلمین را به دو گروه معتدل و افراط‌گرا تقسیم کردند.^۳ آنها در تحلیلی معروف اخوان را بر اساس رویکرد رهبران به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند.^۴ بخشی از اخوان را به گروه «التَقْدُمیون» یا «اصلاحیون» می‌نامند^۵ و بخش دیگر را تندرو یا «تنظیمیون» می‌دانند.^۶ برخی از تحلیل‌گران نیز، اخوان را به دو دسته اخوان قدیم و جدید تقسیم می‌کنند.^۷ از معروف‌ترین تحلیل‌ها، همراستایی و یکسان‌انگاری اخوان و وهابیت است؛^۸ البته برخی افراد در اخوان المسلمین، متأثر از وهابیت بودند؛^۹ چنانکه برخی گرایش‌های درونی اخوان، متأثر از سکولاریسم و لائیتیسیم شد.^{۱۰}

حال سؤال این است که آیا در اندیشه مؤسسان اصلی اخوان، شاخصه‌ها و میزاتی وجود دارد که بتوان به کمک آنها، اخوان المسلمین اصیل را از وهابیت شناسایی کنیم؟ اگر چنین مؤلفه‌هایی، شناسایی و مورد دقت قرار بگیرند، به ما کمک می‌کنند، اخوانی

۱. آئینه‌وند، صادق، فرهی، عبدالله، بررسی سیر رشد و ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین، ص ۳۶-۳۷.

۲. همان ص ۳۹.

۳. مصلحی وادقانی، صادق، اخوان المسلمین، ص ۴۸-۴۹.

۴. همان، ص ۴۸-۴۹.

۵. همان، ص ۴۸-۴۹.

۶. همان، ص ۴۵.

۷. آقای، بهمن، صفوی، خسرو، اخوان المسلمین: تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت‌های جنبش اخوان المسلمین در یک قرن اخیر، ص ۳۲.

۸. بابایی آریا، علی، جریان‌شناسی تاریخی فقه سلفی، ص ۹۸ و ۱۰۵.

۹. کاشانیان، مصطفی، جریان‌شناسی سلفی‌گری، ص ۳.

۱۰. «امام‌جمعه‌زاده، جواد، دیگران، چرخش گفتمانی در راهبردهای اسلام‌گرایان ترکیه و علل آن، ص ۱۴۲»؛ «حیبی، محمدرضا و دیگران، مقایسه نظریه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره) و خلافت اسلامی اخوان المسلمین در اندیشه حسن البنا، ص ۸۹».

اصیل را بازشناسی و اهداف اولیه اخوان را از آنها توقع داشته باشیم و آن، گرایش‌هایی از اخوان را که به سکولاریسم و لائیتیسیم، سوسیالیسم مانند اخوان سوریه و وهابیت و... نزدیک شده‌اند را، در زمره اخوانی‌های اصیل و معیار ندانیم؛ چراکه این نوع جریان‌شناسی‌ها، جزء تخریب اخوان اصیل، اتفاقی را رقم نمی‌زند؛ بنابراین، شناخت ویژگی‌های اخوانی اصیل، امری لازم و ضروری می‌باشد.

در بررسی و اثبات تفاوت‌های دو فرقه یا جریان فکری، باید به مطالعه و تطبیق شاخصه‌های آن دو جریان پرداخت. عقیده و منهج و گرایش‌های فکری و سیاست‌های آن دو جریان در برخورد با موضوعات کلان مذهبی و فرقه‌ای، نشانه همگرایی یا تفاوت آن دو جریان است؛ بنابراین، برای پاسخ به این مسئله، مطالعه در چند محور لازم است؛ در حقیقت این محورها علیرغم تفاوت‌های مفهومی، در یک نکته مشترک هستند و آن اینکه بین دو جریان مذهبی قابل جمع نیستند.

در شناسایی اخوان معیار، باید بر اندیشه‌های حسن البنا تأکید ویژه‌ای داشت. مرشدهای عام اخوان نیز، به دلیل ایمان به عقیده و ایدئولوژی اخوان المسلمین، همیشه بر حفظ و اصالت‌بخشی به رفتارهای اخوان المسلمین تأکید داشته‌اند؛ لذا یکی از مطمئن‌ترین راه‌های تشخیص شاخصه‌های اخوان اصیل، رجوع به آثار رهبران و مرشدهای اخوان-المسلمین است. از آنجا که هر امری را می‌توان بر اساس اضداد آن نیز شناخت، مخالفان اخوان المسلمین نیز می‌توانند، نقش مهمی در شناسایی مؤلفه‌های آن داشته باشند.

دیگر اندیشمندان اخوانی نیز، در صورت التزام به مرام فکری رهبران و مرشدان اخوانی می‌توانند، مبنایی برای تشخیص معیارها و ضوابط اصلی فکر اخوانی محسوب شوند؛ بر این اساس، بررسی آثار مرشدهای عام اخوانی و دیگر رهبران مهم اخوان-المسلمین می‌تواند، مبنای منبع بررسی‌ها و مطالعه و تحقیق باشد. آثار مکتوب و صوتی و شفاهی رهبران و مبلغان مهم اخوانی و همچنین، موضع‌گیری‌های اخوان در مقابل مخالفان از مهمترین منابع این تحقیق هستند.

شاخصه‌های بازشناسی اخوان اصیل

جنبش اخوان المسلمین از تأثیرگذارترین جنبش‌های معاصر در جهان اسلام است؛ علاوه بر آن، اخوان المسلمین جنبشی اسلام‌گرا می‌باشد که در بین جنبش‌های سنی مذهب قرار می‌گیرد. این جریان فکری از شاخصه‌های تصوف‌گرایی، استعمارستیزی نیز بهره‌مند است.^۱ شعار شناخته شده اخوان المسلمین «الاسلام هو الحل» (راه‌حل، اسلام است) می‌باشد؛ همچنین، حسن البنا نقشه راه اخوان را چنین ترسیم کرده است: «الله غایتنا، والرسول قدوتنا، والقرآن دستورنا، والجهاد سبیلنا، والموت فی سبیل الله أسمى أمانینا»؛ خداوند هدف ما، پیامبر الگوی ما، قرآن قانون اساسی ما، جهاد راه ما و مرگ در راه خدا، والاترین آرزوی ماست.^۲

در مقایسه تطبیقی بین دو فرقه و جریان و خط فکری و اثبات همگرایی یا عدم همگرایی آنها، کافی است اصول فکری و فروع و سیاست‌های حاکم بر آن دو فکر را با یکدیگر مقایسه کنیم؛ مثلاً وهابیت، اصل اساسی فکر خود را توحید می‌داند؛ پس اگر جریانی در توحید با وهابیت در تعارض و یا تفاوت باشد، بین آن دو اختلاف خواهد بود؛ از طرفی، وهابیت در منهج عملی خود، فکری تکفیری است. اگر اندیشه و تفکری تکفیری نباشد، یا ضد تکفیر باشد، به مراتب از وهابیت دور است. گرایش اخوان المسلمین جریانی است که بنای همگرایی و تقریب با مذاهب و فرقه‌های مذهبی دیگر را دارد؛ لذا اگر گرایشی ضد تقریب بود، با اخوان المسلمین در تعارض است؛ یا اخوان المسلمین، برپایی نظام سیاسی یا همان اندیشه سیاسی را رکن و محور اندیشه خود می‌داند؛ لذا تفکری که با آن به مخالفت بپردازد، دارای تفاوت جدی با اخوان است؛ بنابراین با دقت در آثار و کتب شخصیت‌های مهم اخوانی و مقایسه با اخوان می‌توان نتیجه لازم را به دست آورد.

مخالفت با تکفیر

در تمام آثار حسن البنا، هیچ فرقه‌ای به غیر از بهائیت، تکفیر نشده است.^۳ تأکید حسن

۱. «فرهی، عبدالله، جنبش اخوان المسلمین، ص ۱۱»؛ «صالح سمصار، نظام الخلافة فی الفكر السياسي، پایان‌نامه ارشد دانشگاه الجزایر، ص ۴۱-۲۴».

۲. النبا، حسن، رسائل حسن البنا، ص ۱۹۱.

۳. حسینی، اسحاق، اخوان المسلمین بزرگترین جنبش اسلامی، ص ۵۶.

البناء بر عدم تکفیرِ نابه‌جا در اصل بیستم از اصول بیست‌گانه‌ی وی به‌خوبی دیده می‌شود. او می‌گوید: «ولا نکفر مسلماً أقر بالشهادتين وعمل بمقتضاهما وأدى الفرائض - برأی أو بمعصية - إلا إن أقر بكلمة الكفر , أو أنكر معلوماً من الدين بالضرورة, أو كذب صريح القرآن, أو فسره على وجه لا تحتمله أساليب اللغة العربية بحال, أو عمل عملاً لا يحتمل تأويلاً غير الكفر»؛ ما مسلمانی که به شهادتین اقرار دارد و بر مقتضای آن عمل می‌کند و فرائض را انجام می‌دهد، تکفیر نمی‌کنیم؛ مگر اینکه به کلمه کفرآمیزی اقرار کند؛ یا ضروری دین را انکار کند و یا اینکه، کلمه صریح قرآن را رد کند و یا نوعی آن را تفسیر کند که اسلوب‌های زبانی، آن را بر نمی‌تابد؛ یا اینکه رفتاری انجام دهد که غیر از کفر، قابل تأویل نباشد.^۱

در این بیان کوتاه، اصول مهم قواعد تکفیر صحیح و حدود تکفیر به‌خوبی بیان شده است. در این جمله، تکفیر، منحصر به صورت ارتداد شده و تنها در صورت تصریح و عدم تأویل سخن، تکفیر رخ می‌دهد. این برخلاف نظریه وهابیت در توسعه تکفیر به نواقض گسترده و غیرقابل توجیه است.^۲ بزرگان وهابیت، خود معترف هستند که بسیاری از مسلمانان، به دلیل اموری مشرک می‌شوند که نزد مسلمانان، امر مشهوری است. ابن-عبدالوهاب در نواقض اسلام، چنین می‌گوید: من به چهار امر معروف هستیم؛ اول اینکه توحید را بیان می‌کنم، در حالی که توحید به گوش بیشتر مردم نرسیده است؛ دوم، بیان شرک، هرچند آن شرک در کلام اهل علم، عبادتی باشد که آن را به غیرالله متوجه کرده است؛ حتی اگر غیرالله را شفیع نزد خداوند دانسته و فکر می‌کند که آن عمل از بهترین تقرب‌ها است... «و اعلم أنني عُرِفْتُ بأربع مسائل: الأولى: بيان التوحيد، مع أنه لم يطرق أذان أكثر الناس. الثانية: بيان الشرك، ولو كان في كلام من ينتسب إلى العلم أو عبادة من دعوه غير الله او قصده بشيء من العبادة، ولو زعم أنهم يريدون أنهم شفعاء عندالله؛ مع أن أكثر الناس يظن أن هذا من أفضل القربات»؛^۳ بر اساس این جمله، ابن‌عبدالوهاب،

۱. البناء، حسن، الاصول العشرون للحسن البناء، ص ۲۰۳.

۲. ابن‌عبدالوهاب، محمّد، الرسائل الشخصية، ج ۱، ص ۲۶.

۳. ابن‌عبدالوهاب، محمّد، الرسائل الشخصية، ج ۱، ص ۲۶.

اعمالی مانند توسل که در بین مسلمانان به نیت تقرب به خداوند انجام می‌شود را شرکی می‌داند؛ این در حالی است که این دست اعمال، با نیت تقرب به خداوند انجام می‌شود و نزد عموم مسلمانان و اخوان المسلمین، دارای تأویل محسوب می‌شوند.^۱ از جمله حسن - البنا فهمیده می‌شود که این برخلاف حکم تکفیر ارائه شده است و از اندیشه تکفیری خارج است؛ امری که در وهابیت تکفیرانگاری شده است؛ چراکه تکفیرهای صورت گرفته توسط وهابیت، بنیادی^۲ و غیرقابل حل است.^۳ ضمن اینکه کلام محمد بن عبدالوهاب که روش وهابیت نیز از آن اتخاذ شده است، بر اعلام صریح تکفیر و تشریح نوع مسلمان استوار است و محمد بن عبدالوهاب تصریح می‌کند که آنچه او می‌گوید، توحید است که به گوش کسی نرسیده است؛ برخلاف سخن حسن البنا که در نهایت ملاحظه اصول و ضوابط تکفیر و توجه به تأویل استوار است.

رابطه حسن البنا و سید قطب و دیگر مرشدهای عام در اخوان المسلمین با دیگر فرق اسلامی بر تکفیر استوار نیست؛ به عبارتی، از ایشان یک مورد تکفیر دیگر فرقی وجود ندارد و حتی از برخی فرقه‌ها مانند شیعه به نیکی یاد می‌کند.^۴ همین نگاه سید قطب باعث شد که در زمان اعدام وی، مراجع و علمای شیعه از جمله مراجع تقلید عام شیعیان جهان، یعنی آیت‌الله العظمی سیدمحسن طباطبایی حکیم، و همچنین شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، با صدور بیانیه و ارسال نامه خطاب به جمال عبدالناصر، سعی در جلوگیری از حکم اعدام وی داشتند.^۵

۱. البنا، حسن، الاصول العشرین للحسن البنا، ص ۲۰۳.

۲. «چرا ما معتقد هستیم که تفاوت‌ها بنیادین است؛ زیرا تکفیر صریح و علنی از رهبران ارشد اخوان المسلمین در مورد عموم مسلمانان دیده نمی‌شود؛ برخلاف صراحتی که در کلام محمد بن عبدالوهاب دیده شد و به آن اشاره کردیم. در فرض اگر نیز، تکفیری در کلام رهبران اصلی اخوان المسلمین دیده شود، آن تکفیر بر مبنای قوام‌دهنده اندیشه اخوان المسلمین نیست؛ برخلاف وهابیت که اگر فرضاً مسلمانی در حالت استغاثه را تکفیر نکند، در واقع از اصلی تعدی کرده که قوام عقیدتی وی است؛ مثلاً باید استغاثه به اولیاء الهی را جایز بداند که در این صورت، دیگر نمی‌تواند وهابی بماند»؛ (زندگی، مهدی، تبیین مرز تکفیر در اندیشه مخالفین شیعه با تأکید با گونه شناسی تکفیر، ص ۴۵).

۳. همان، ص ۴۵.

۴. «سید، قطب، در تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۲۶۲»؛ «ضمن تفسیر سوره غافر، آیات ۵۱ تا ۵۴، ذیل آیه ﴿أنا لننصر رسلاً و الذین آمنوا فی الحیاه الدنیا و یوم یقوم الاشهداء﴾».

۵. موقع. درالعراق، <https://www.dorar-aliraq.net/threads/>

حسن الهضیبی از مرشدهای عام اخوان، با نوشتن کتاب دعاة لا قضاة، به صراحت، تکفیر نکردن کسانی که شهادتین به زبان آورده‌اند را مطرح می‌کند و ایشان را محکوم به اسلام می‌داند.^۱ این نوع ادبیات از رهبر اخوان، نشان از اهمیت موضوع مقابله با تکفیر، نزد اخوانی‌ها دارد؛ در حالی که وهابیت در بسیاری از موارد، به ظاهر رفتار و بدون توجه به نیت شخص استناد می‌کند؛ برای مثال، در موضوع ذبح که از نظر وهابیت باعث خارج از ملت شدن بسیاری از مسلمانان است، هیچ دقتی در اصل فعل مسلمان نمی‌شود و تنها به ظاهر عمل استناد شده و این امر مشکوک را باعث نقض اسلام آنها می‌داند.^۲

در حالی که نواقض الاسلام وهابیت در صورت نبود مانع، افرادی را که قطعاً اخوانی‌ها مسلمان می‌دانند، مشرک و خارج از دین قرار می‌دهد؛ اما سید قطب در تفسیر آیه ۹۴ سوره نساء می‌گوید: خداوند مسلمانان را امر کرده که وقتی برای غزوها می‌روند، شروع‌کننده جنگ با کسی نباشند و به اسلام آوردن در کلام و زبان افراد اکتفا کنند؛ زیرا هیچ دلیلی که نقض‌کننده کلمه لسانی باشد، وجود ندارد.^۳ در رد این نظریه است که بر اصول متعارف تکفیر، تأکید کرده است.

بر این اساس، اخوان المسلمین جریانی ضد تکفیر است. تکفیری بودن که مبتنی بر تکفیر بی‌اساس و غیرصحیح است، از اموری است که در تفکر اخوانی‌ها منتفی است. این نکته در مقایسه با وهابیت، مهمترین تفاوت‌های آن دو را نشان می‌دهد. امروزه تقریباً در تمامی فرقه‌ها، مذاهب و نظرات تحلیل‌گران، بر تکفیری بودن وهابیت اجماع وجود دارد. منهج وهابیت که بر تکفیر بی‌اساس تنظیم شده است، جای هر نوع تردیدی درباره تکفیری بودن وهابیت را از بین برده است.

یکی از نظرات مورد نزاع در مورد اخوان المسلمین که مستمسک اتهام تکفیر به اخوان شده است، تعابیر سید قطب درباره جامعه جاهلی است. آشکار است که نظریه سید قطب یک گفتمان فقهی و حقوقی نیست؛ بلکه نگاهی عقیدتی و جامعه‌شناختی است.

۱. سید، قطب، فی ظلال القرآن، ص ۳۰.

۲. آل‌شیح، صالح بن عبدالعزیز، التمهید لشرح کتاب التوحید، ص ۱۳۹.

۳. سید، قطب، فی ظلال القرآن، ص ۲۵.

سید قطب، جوامع دوران حیات خود را جوامعی جاهلی شمرده و دلیل آن را نیز، تعاملات، ارزش‌ها و هنجارهای غیر اسلامی آن جوامع دانسته است؛ در اینجا وی هرگز حکم و فتوا نداده است؛ بلکه او مسلمانان را از حیث تبعیت از اندیشه دینی و یا غیردینی، تحلیل کرده است.^۱

خواننده گرامی به خوبی می‌داند که ورود به یک بحث فقهی و مطرح کردن یک نظریه و فتوای فقهی مبتنی بر شیوه خاص خود است. فقیه باید از ادله کتاب و سنت شروع کند و بعد از تبیین و استقصا ما می‌تواند، ظواهر آن را از جهت تقیید و تخصیص و حکومت و ورود و موارد دیگر تحلیل و در نهایت، تعارضات ادله را بررسی و حکم اولیه در صورت عدم مصلحت قابل قبول را بیان کند؛^۲ بنابراین، سید قطب هرگز تلاش فقهی برای اثبات حکم شرعی نکرده و تنها به ارائه راهکار جامعه‌سازی پرداخته است. شاهد دیگر این است که سید قطب در آثار خود، مسلمانان را با تعبیری چون الشعوب الاسلامیة، الأمة المسلمة، المسلمین و... که دال بر مسلمان دانستن آنهاست، مورد اشاره قرار می‌دهد؛^۳ پس تعبیر جامعه جاهلی تعبیری فقهی-حقوقی نیست؛ بلکه تعبیری است حقیقی که به آخرت مربوط است و البته سازماندهی دنیوی جامعه را نیز به دنبال دارد.

در اندیشه اخوان اصیل، فکر غالب در جامعه نیز ممکن است دارای رویکردی کفری و شرکی باشد؛ اما این به معنی مشرک بودن تمام افراد آن جامعه نیست. سید قطب، حتی اگر وصف جاهلی و دوری از اسلام حقیقی را به امت اسلامی بدهد، اما آحاد امت را محکوم به کفر نکرده و اساساً، چنین رویکردی در گفتمان او جای ندارد؛ بلکه برعکس، او مردمان جوامع اسلامی و آحاد امت را مسلمان می‌داند که به دلایلی از اسلام حقیقی دور شده است. سید قطب می‌گوید: و امروزه امت مسلمان در میان انواع بینش‌های جاهلی که تمام جهان را فرا گرفته‌اند و در میان اهداف گوناگون جاهلی که تمام زمین به دنبال دستیابی به آنهاست قرار دارد و در میان دغدغه‌هایی جاهلی است که ذهن تمام مردم را

۱. سید، قطب، معالم فی الطريق، ص ۹۳.

۲. اسلامی، رضا، مدخل علم فقه، ص ۱۸۵ و ۴۸ و ۲۰.

۳. «قطب، سیدابراهیم حسین، المستقبل لهذا الدین، ص ۶-۷»؛ «قطب، سیدابراهیم حسین، فی ضلال القرآن، ج ۲، ص ۹۶۰».

درگیر کرده است و در میان انواع مختلف پرچم‌های جاهلی که توسط تمام نژادها برافراشته شده، قرار گرفته است.^۱

تأکید سید قطب بر مسلمانی امت و هم‌زمان واقع‌شدن در انواع تفکرات جاهلی، نشان از تفاوتی است که وی بین فکر جاهلی و بین آحاد جامعه می‌گذارد. مشکل از نظر سید قطب این است که امتِ اکنون، در میان انواع بینش‌ها و پرچم‌های مبتنی بر جاهلیت گرفتار آمده و برای نجات باید به جامعه توحیدی برگردد؛ لذا سید قطب معتقد است، تعدی به یک مسلمان، تعدی به تمام مسلمانان است.

«ولكن هذه وتلك بلاء ونقمة - على الشعوب الإسلامية، الاستعمار بلاء واقع يجب كفاحه. والشيوعية بلاء واقع كذلك على ملايين المسلمين الواقعين في برائته. والوطن الإسلامي كله وحدة، ومن اعتدى على مسلم واحد، فقد اعتدى على المسلمين أجمعين»؛ لکن این دو، بلا و عذابی بر ملت‌های اسلامی هستند. استعمار، بلایی است که مبارزه با آن واجب است و همچنین، مارکسیسم نیز بلایی بر سر میلیون‌ها مسلمان است که در چنگالش گرفتار هستند. تمام وطن اسلامی، یک وطن واحد است و هر کس بر یک مسلمان تعدی و ظلم کند، یقیناً بر تمام مسلمانان تعدی کرده است.^۲

اخوان اصیل و توحید بر مبنای جمهور مسلمین

جمهور مسلمانان تلقی خاصی از توحید دارند که بر اساس آن، اولیاء الهی و توسل به صالحین و طلب از آنها بدون اعتقاد به استقلال جایز است و منافاتی با توحید ندارد.^۳ این عقیده در تعارض کامل با فکر وهابیت است. اخوان در این موضوع، همراه با جمهور بوده و از ویژگی‌های اندیشه اخوانی همراهی با عموم مسلمانان است.

حسن البنا در اصل سبزه از اصول بیست‌گانه خود آورده است: محبت صالحین و احترام آنها و تمجید و مدح ایشان از بهترین و پاک‌ترین اعمال مسلمانان است که خداوند در آیه ۶۳ سوره یونس از آنها با تعبیر «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» نام برده است. کرامت

۱. سید، قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. سید، قطب، معالم فی الطریق، ص ۳۳.

۳. اسدعلی‌زاده، اکبر، چالش‌های فکری و سیاسی وهابیت، ص ۵۶-۲۰.

خارق العاده نزد اولیا ثابت است و تنها نکته مهم این است که ما باید اعتقاد داشته باشیم، آنها هیچ نفع و ضرری را از جانب خود مالک نیستند؛ چه در حیات و چه در ممات و چه اینکه (از جانب خود)، چیزی را به کسی ببخشند.^۱

در این سخنان، موضوع استقلال نداشتن اولیا در طلب از آنها و عدم تفاوت بین مرده و زنده از نکات مورد اشاره حسن البنا است. خواننده گرامی می داند که تفاوت گذاشتن بین درخواست از زنده و مرده از بدعت های وهابیت است^۲ و این سخن باید، به معنای نفی کلام وهابیت تلقی شود؛ از طرفی، با اثبات قطعی درخواست از پیامبر ﷺ در زمان حیات، معلوم می شود که منظور نویسنده، اشاره به استقلالی بودن درخواست است.

بر همین اساس، عمر تلمسانی در کتاب شهید المحراب می گوید: هیچ دلیلی وجود ندارد برای انکار و سخت گیری بر کسی که اعتقاد داشته باشد به کرامت اولیا و پناه بردن به ایشان و قبور پاک ایشان و خواندن دعا در کنار قبور در گرفتاری ها.^۳ این شاهدی از همراهی با نظر جمهور مسلمان است.

در پی اشکالاتی که وهابی ها و نویسندگان متأثر از وهابیت بر نظر عمر تلمسانی کرده اند، مدافعان اخوانی به توضیح نظر وی اقدام کرده و بر همراهی با جمهور تأکید کرده اند. توفیق الواعی به عنوان یکی از مبلغین تفکر اخوانی ذیل این سخن از عمر تلمسانی می نویسد: برای اینکه نظر عمر تلمسانی را درباره توسل به صالحین برای حوائج درست درک کنیم، به این نکته باید توجه کنیم که این امر را جمهور فقها اجازه داده اند و ما آن را سابقاً بیان کردیم. ابوحنیفه نیز، آن را امر مکروهی دانسته و تنها ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب آن را منع کرده اند.^۴ تلاش توفیق الواعی از فعالان اخوان، تصریحی بر همراهی آنها با جمهور اندیشمندان اسلامی در موضوع توحید و شرک است.

۱. البنا، حسن، الاصول العشرین للحسن البنا، اصل اول. شیخ توفیق الواعی، الإخوان المسلمون کبری الحركات الإسلامية، ص ۲۷.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۶، ص ۵۱.

۳. تلمسانی، عمر، شهید المحراب عمر بن الخطاب، ص ۵۲.

۴. واعی، توفیق، اخوان المسلمین کبری حركات الاسلامیه، ص ۵۵.

حسن البنا درباره موضوعاتی مانند توسل که توسط وهابیت شرک‌انگاری شده می‌گوید: دعا کردن اگر مقرون با توسل به یکی از بندگان به درگاه خالق باشد، امری اختلافی و فرعی است و از مسائل عقیدتی به حساب نمی‌آید.^۱ اشاره به اختلافی بودن توسل، ناظر به مصداق شرک‌انگاری شده توسط وهابیت است؛ وگرنه موارد غیر از آن، اختلافی نیست؛ پس حسن البنا موارد مورد نزاع توسل را امری مربوط به اصول اعتقاد ندانسته و از مسائل فرعی دانسته است؛ به عبارتی، وی اساساً توسل را نه موضوعی عقیدتی و باعث اتهام کفر و شرک، بلکه آن را موضوعی فرعی و قابل اختلاف بین مسلمانان برمی‌شمارد؛ این در حالی است که وهابیت در الگوی فکری خود و نه با استناد به برخی نظرات شاذ،^۲ توسل به معنای عام آن را، چه توسل به ذات، مقام و جاه، چه در حیات و چه در ممات و نیز توسل به دعای اولیاء الهی عندالغیاب و در ممات (برزخ) را بدعت یا شرک می‌دانند.^۳ به عبارتی، برخی انواع توسل (به معنای عام نزد مسلمانان) به صالحین بعد از وفات که در تعبیر وهابیت شرک و مخرج از ملت است (به غیر از توسل به جاه و مقام)، نزد حسن البنا امری مختلف‌فیه و قابل تأویل و بررسی است.

این موضوع درباره دیگر اعتقادات وهابیت نیز صادق است؛ مثلاً حسن البنا بسیاری از موجبات تکفیر در وهابیت را تنها حرام از باب سد ذرایع می‌داند. او می‌گوید: نذر برای آنها (اصحاب قبور) و روشن نگه داشتن قبور، و مسح قبور و یا قسم به غیرالله و از این دست امور، از بدعت‌هایی گناه‌آلود هستند که باید از آنها پرهیز کرد و دلیل آن نیز، حرمت از باب سد ذریعه است؛^۴ این در حالی است که برخی از موارد ذکر شده مانند نذر و ذبح برای اصحاب قبور و صالحان و قسم به غیرالله از اموری است که نه تنها محمد بن عبدالوهاب، بلکه نزد بسیاری از بزرگان وهابیت، شرک دانسته است.^۵

۱. البنا، حسن، مجموعه الرسائل حسن البنا، رساله التعلیم، ص ۳۵۸.

۲. أبوطامی، احمد بن جر، العقائد السلفية بادلثها النقلية والعقلية، ج ۲، ص ۵۱۰.

۳. معینی‌فر، محمد، فرمانیان، مهدی، رابطه توسل، شفاعت واستغاثه؛ بازخوانی محل نزاع و نقد آن، ص ۵۱.

۴. البنا، حسن، الاصول العشرین للحسن البنا، ص ۳۷۴.

۵. ابن عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحید، ص ۴۵ و ۴۱ و ۴۰؛ «آل‌شیخ، صالح بن عبدالعزیز، التمهید لشرح کتاب التوحید،

ص ۱۳۹»؛ «همچنین ابن‌عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی نور علی‌الدر، ج ۴، ص ۲».

در اندیشه تکفیری، تقرب خواهی نزد خداوند به واسطه اولیا موجب شرک است؛^۱ همچنین تواضع و احترام به اولیاء الهی به عنوان عبادت آنها فرض می شود.^۲ همین نکته یکی از منشأهای تکفیری بودن وهابیت است. وهابیت آیه ۳ سوره زمر ﴿مانعدهم الا لیقربونا الی الله زلفی﴾ را دلیل این ادعا می داند؛^۳ دلیل این استناد نیز، به تفسیر و تعریف آنها به عبادت برگشت دارد؛ در حقیقت از نظر وهابیت، واسطه قرار دادن غیر اولیا و درخواست از آنها، مصداق عبادت یا زیرمجموعه مفهوم عبادت است؛^۴ این در حالی است که اخوان این اعتقاد را ندارند.

بر این اساس، بین وهابیت و اخوان نزاع جدی در زمینه تفسیر توحید وجود دارد. این تفاوتها باعث شد، آثار زیادی بر علیه نگاه توحیدی اخوان در وهابیت شکل بگیرد؛ مثلاً وهابیها کتاب اقوال علما السنة فی جماعة الاخوان المسلمین، حاوی فتاوی بن باز، آلبانی، ابن عثیمین، صالح الفوزان، صالح اللحیدان و عدهای دیگر را علیه اخوانیها منتشر کردند.^۵ ربیع بن هادی المدخلی راجع به اخوان المسلمین چنین اظهار نظر کرده است:

« وأنا في نظري إنَّ أخطر أهل البدع الآن على المنهج السلفي وأهله جماعتان جماعة التبليغ وجماعة الإخوان بفصائلها، وشرهم مستفحل أكثر من أهل البدع جميعا فلا تترك فتنتهم بيئا إلا دخلته»؛ به نظر من، خطرناکترین اهل بدعت بر علیه منهج سلفیه (وهابیت)، امروزه دو جماعت هستند: یکی جماعت تبلیغ و دیگری اخوان المسلمین با شعبه هایش؛ به طوری که شرارت آنها خطرناک و از تمام اهل بدعت بیشتر است. امروزه خانه ای یافت نمی شود، الا اینکه این بدعت در آن راه یافته است.^۶ او آنان را از غلات مرجئه دانست و سخن آنان را بدتر از سخن مرجئیان قدیم تلقی کرد.^۷

۱. آل شیخ، عبداللطیف، مصباح الظلام فی الرد علی من کذب الشیخ الإمام ونسبه الی تکفیر أهل الإیمان والإسلام، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲. ابن عبدالوهاب محمد، أصول الدین الإسلامی مع قواعد الأربع، ص ۷.

۳. ابن عبدالوهاب، محمد، کشف الشبهات، الشبهة الثالثة، ص ۸۴.

۴. ابن عبدالوهاب، محمد، الرسائل الشخصية، ج ۶، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۵. منتديات الابانه السلفية: <https://elibana.org/vb/node/3389> و همچنین، مدرسه غیث الاثر السلفية: <https://www.elbeialy.com/catplay.php?catsmktba=2567>

۶. یمان، عبدالله بن عیسی، أجوبة فضيلة الشيخ ربيع به هادي المدخلي، ص ۱۰.

۷. همان، ص ۲۸.

اخوان اصیل تفکری تقریبی

گفتمان اخوان اصیل، از ظرفیت‌های بسیاری برای همگرایی برخوردار است. رابطه انقلابیون ایران و اخوان، طلایی‌ترین دوره همکاری را در سابقه خود دارد.^۱ اسناد این رابطه طلایی بسیار زیاد است. حسن البنا می‌گوید: از ویژگی‌های دعوت اخوان دوری از مباحث اختلاف‌برانگیز است؛ زیرا اخوانی‌ها معتقدند که اختلاف در فرعیات، امری ضروری و "لابد منه" است.^۲ حسن البنا معتقد است، اسلام حدود جغرافیایی را به رسمیت نمی‌شناسد و مسلمانان را امتی واحد می‌داند که هر اندازه هم، از نظر مکانی از هم دور باشند، وطن آنها اسلام است.^۳

در واقع حسن البنا تلاش داشت، علیرغم اختلافات فرعی و فقهی بیشماری که بین گروه‌ها و جریان‌های فکری و عقیدتی در مسلمانان بود، آنها را تحت عنوان امت واحد جمع کند. وی می‌گفت: اسلام، وحدت امت را مطلقاً واجب کرده است و آن را بخش اساسی از حیات جامعه اسلامی دانسته که تساهل در آن، در هیچ حالی روا نیست؛ زیرا اسلام وحدت را قرین ایمان می‌داند؛ چنانچه اختلاف و تفرقه را قرین کفر می‌خواند؛^۴ لذا با همین تفکر تقریبی بود که اندیشه‌ها و دیدگاه‌های وحدت‌گرا، به تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» و فتوای شیخ شلتوت به نتیجه رسید.^۵

عمر التلمسانی، مرشد کل اخوان، می‌نویسد: دلسوزی حسن البنا برای اتحاد مسلمانان، تا آن حد بود که وی قصد برگزاری کنفرانسی را داشت که رهبران تمام مذاهب اسلامی را گرد هم آورد. شاید از این طریق، خداوند آنان را به راهی هدایت کند که مانع از اتهام یکدیگر به کفر شوند؛ به‌ویژه آنکه قرآن ما، دین ما، پیامبر ما و خدای همه ما یکی است. وی بدین منظور از شیخ محمد قمی، یکی از بزرگان علما و رهبران تشیع، به مدتی نه‌چندان کوتاه پذیرایی کرد؛ چنانچه معروف است، امام البنا بآیت‌الله کاشانی در

۱. خسروشاهی، سیدهادی، اخوان المسلمین و ایران درگذر تاریخ، ص ۵۶.

۲. البنا، حسن، رساله مؤتمر خامس، ص ۱۷.

۳. همان، ص ۴۸.

۴. مرادی، مجید، نظریه دولت در اندیشه حسن البنا، ص ۷۸.

۵. خسروشاهی، هادی، حرکت‌های اسلامی معاصر استراتژی نظام و مسئله شیعه و سنی، ص ۱۴.

حج ۱۹۴۸ دیدار کرد.^۱ ایشان در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: روزی از استاد حسن البنا درباره میزان اختلاف میان اهل تسنن و تشیع پرسیدیم. وی ما را از ورود به چنین مسائل پیچیده‌ای نهی کرد؛ زیرا سزاوار نمی‌دانست که مسلمانان خود را با این مباحث سرگرم کنند؛ درحالی که آنها خود در حالت اختلاف هستند!... او می‌گفت: بدانید که اهل تسنن و تشیع جملگی مسلمان هستند و کلمه «لا اله الا الله و محمد رسول الله ﷺ» را به زبان می‌آورند.^۲ خسروشاهی در برخی آثار خود معتقد است، مکتب‌الارشاد اخوان از آیت‌الله کاشانی خواسته بود که رهبری اخوان مصر را برعهده بگیرد.^۳

برخی از صاحب‌نظران که به همگرایی اخوان و وهابیت نیز معتقد هستند، در مورد تقریبی بودن اخوان المسلمین معتقدند که اخوان المسلمین، تقریب میان مذاهب را در دستور کار خویش قرار داد.^۴ وی اخوان را در مقابل وهابیت قرار می‌دهد و معتقد است، در بین جریاناتی که آنها را سلفی می‌نامد، اخوان المسلمین جریانی کاملاً تقریبی است.

اخوان اصیل و مسئله اسلام سیاسی

اجرای فقه سیاسی و احکام اسلامی در جامعه، نیازمند برقراری سیستم سیاسی بر پایه اعتقاد به اجرای احکام اسلامی است. با تفحص و جستجو در آثار رهبران اخوان می‌توان فهمید، اعتقاد به اسلام سیاسی و اجرای احکام اسلامی از ارکان فکری اندیشه اخوان اصیل است.^۵ هر یک از اعضای اخوان که از این اندیشه تجاوز کنند، در حقیقت از ساختار فکر اخوانی خارج شده‌اند. دلیل آن نیز در هدف ایشان نهفته است. هدف اخوان المسلمین، رسیدن به ساختار مشروع حکومتی در جامعه مسلمانان است.

از نظر بزرگان اخوانی و رهبران اخوان، مهمترین رکن اسلام توحید است؛ از طرفی این توحید باید خود را در تمام شئون زندگی یک مسلمان نشان دهد. بهترین نمود این موضوع را می‌توان از سخنان حسن البنا در سخنرانی کنگره سوم اخوان المسلمین به-

۱. تلمسانی عمر، الملهم الموهوب حسن البنا، ص ۷۸.

۲. أباطه، ثروت، ذکریات لا مذکرات، ص ۲۵۰-۲۴۹.

۳. خسروشاهی، سیدهادی، اخوان المسلمین و ایران درگذر تاریخ، ص ۶۵.

۴. فرمانیان، مهدی، سلفیه و تقریب، ص ۱۴۹.

۵. خسروشاهی سیدهادی، اخوان المسلمین چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟، ص ۲۹ و ۲۴.

دست آورد. حسن البنا معتقد است، اخوان المسلمین طریقتی سنی است، حقیقتی صوفی است، حزبی سیاسی است، گروهی ورزشی است، مؤسسه‌ای علمی و فرهنگی است، شرکتی اقتصادی، متفکر و اجتماعی است؛ چراکه تمام این امور را اسلام دستور داده است و شریعت درباره تمام این امور، موازین و ضوابطی را تعیین کرده است.^۱ این نظریه که از آن با تعبیر اسلام سیاسی نیز نام می‌برند، در مقابل سکولاریسم است که دیگر رهبران اخوان المسلمین، همیشه بر آن تأکید می‌کنند.

سید قطب معتقد است، آیین خداوند، روش زندگی است. اساس آن بر این است که سلطه و قدرت به‌طور کلی در زندگی تمام مردم برای خداوند باشد و این است، معنای عبادت خدای بی‌همتا و معنای اینکه هیچ معبودی غیر از او برای مردم نیست... و سلطه داشتن خداوند در اعتقاد به ربوبیت او بر عالم وجود و ایجاد و تدبیر این جهان، با قدرت او نمود می‌یابد؛ چنانکه اعتقاد داشتن به سلطه مطلق الهی، در اعتقاد به ربوبیتش نسبت به انسان و ایجاد او و تدبیر امورش با قدرت و مقدرات الهی، نمود می‌یابد.^۲

از نظر اخوان اصیل، اعتقاد به ربوبیت باید نسبت به انسان در زندگی عملی و واقعی او و برپا داشتن شریعت الهی و اوامر او ظهور پیدا کند و اینها تمام‌شان یک بسته و مجموعه واحد هستند که غیرقابل تجزیه است؛ وگرنه اگر کسی در هر جنبه از جهات فوق، سلطه و قدرت را به غیر خداوند نسبت دهد، غیر خدا را به همراه او و یا به‌جای او عبادت کرده است. سید قطب می‌گوید: همانا اولین معنای مقصود از ربوبیت خداوند نسبت به جهانیان، باطل ساختن هرگونه حاکمیت دیگری است که درصدد است، بدون تکیه بر شریعت الهی و امر او، بر مردم سلطه یابد. سلطه‌ای طاغوتی که به‌دنبال به اطاعت کشیدن مردم، بدون اذن خداوند و به‌جای اوست، تا بدین وسیله، مردم را در برابر قانون و اوامر خود، فرمان‌بر سازد.^۳

۱. «البنا، حسن، رسائل حسن البنا، ص ۲۳»؛ «اشکوری، حسن، مدخل اخوان المسلمین، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۳۰۳۳».

۲. سید، قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۳۰۸.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۳۴۶.

و یا می‌گوید: اسلام این است که مردم، شریعت الهی و حکم رسول او را حاکم بدانند؛ اما این در ایمان، کافی نیست. مگر آنکه رضایت درونی انسان و پذیرش قلبی هم، ضمیمه آن شود و دل با اطمینان کامل، تسلیم گردد.^۱

بر این اساس، نفی طاغوت و رد و برکنار کردن آن و ایجاد حاکمیت توحیدی، از مهمترین شاخصه‌های اندیشه اخوانی است. طاغوت هر سلطه‌ای است که برگرفته از سلطه الهی و ذیل آن نباشد و هر حاکمیتی که مبتنی بر شریعت الهی نباشد و هر تجاوزی از حدود حق را مورد تعدی قرار دهد و تعدی بر سلطه الهی و الوهیت و حاکمیت او زشت‌ترین، ناهنجارترین و طغیانگرترین تجاوز بوده و حقیقی‌ترین مصداق برای لفظ و مفهوم طاغوت است.^۲

بر اساس اندیشه اخوانی اصیل، هر نوع تفکر منتهی به جامعه جاهلی نفی می‌شود؛ در این اندیشه، هر نوع تفکر لیبرالیستی و سوسیالیستی و غیره محکوم است؛ به‌راستی که معنای جاهلیت با این عبارت صریح قرآنی، مشخص می‌گردد؛ بنابراین، جاهلیت، آن‌گونه که خداوند متعال آن را توصیف کرده و قرآنش آن را مشخص کرده، همان حکمرانی بشر بر بشر است؛ زیرا این همان بندگی بشر در برابر بشر و خروج از بندگی خداوند و رد کردن الوهیت اوست که در مقابلش، به الوهیت بعضی از بشر و به بندگی کردن برای آنان به-جای خداوند، اعتراف دارد. همانا جاهلیت (در پرتو این عبارت قرآنی)، تنها یک دوره زمانی خاص نیست؛ بلکه یک وضعیت از میان وضعیت‌هاست. این وضعیت (جاهلیت) دیروز بوده است و امروز نیز یافت می‌شود و فردا نیز وجود دارد که وصف جاهلیت در مقابل اسلام و مناقض با اسلام را به خود اختصاص داده است.^۳

سید قطب می‌گوید: روزبه‌روز آشکارتر می‌شود که تنها یک مسیر برای پیش‌روی ملت‌های اسلامی در تمام کره‌زمین وجود دارد که می‌تواند آنان را به عزت، عدالت اجتماعی و رهایی از پسماندهای استعمار و طغیان و فساد برساند. یک مسیر که گزینه

۱. همان، ج ۲، ص ۶۷۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۲۶.

۳. سید، قطب، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۹۰۴.

دومی نیز ندارد و هیچ شکی در آن و راه‌گزینی از آن نیست. تنها راه، راه اسلام و راه یکپارچگی بر اساس اسلام است.^۱

واقعیت این است که اندیشه و هابیت نسبت به مقوله سیاسی متفاوت است و بخش مهم و هابیت که اندیشه علمی و گرایش و هابیت مدخلی هستند، به دنبال حضور تام اندیشه دینی در عرصه‌های اجتماعی نیستند و تنها به موضوع عقیده در بخش توحید، به عنوان تمام هدف دین می‌نگرند؛^۲ بنابراین، و هابیت در صدد اجرای دستورات و یا موضع‌گیری در برابر وضعیت موجود اجتماعی نیستند.^۳ تنها هدف دین در نظر و هابیت، موضوع توحید عبادی در وجه شخصی آن است.

نتیجه

از آنچه گذشت، این‌گونه فهمیده می‌شود که اخوان المسلمین اصیل را وقتی در مطالعه تطبیقی با و هابیت قرار می‌دهیم، می‌توانیم مبانی فکری را برای اخوان دریابیم که با و هابیت بر سر آنها اختلاف دارد. این مبانی که غالباً از ارکان شکل‌دهنده اخوان هستند، عبارت‌اند از: التزام به توحید بر مبنای جمهور مسلمان، ضد تکفیر بودن، تقریبی بودن، معتقد به اسلام سیاسی بودن.

و هابیت در تمام این موارد با اخوان المسلمین در تعارض آشکار قرار داد. این تعارض مستند به قول چند نفر نیست؛ بلکه مستند به یک الگوی پذیرفته‌شده در فکر و هابیت است؛ بر اساس این یافته، نمی‌توانیم اخوان و و هابیت را در اصول و مبانی آنچنان یکسان بدانیم که در تبارشناسی نیز همراه، و در جریان‌شناسی متعلق به یک کلان‌جریان، به حساب آوریم؛ زیرا اثبات هر یک از مشخصه‌های قوام‌بخش در هر کدام از اخوان-المسلمین و و هابیت، به منزله نفی دیگری است.

۱. سید، قطب، فی التاریخ فکرة و منهج، ص ۶۲.

۲. «استاد محمد بن عبدالوهاب به روایاتی که سعادت را تنها به توحید متوقف می‌کند»؛ (ابن عبدالوهاب محمد، کتاب التوحید، ص ۱).

۳. مشوح، خالد، التيارات الدينية فی السعودية، ص ۲۹.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. أباطه، ثروت، **ذکریات لا مذكرات**، قاهره: دار الاعتصام، دار غریب للطباعة والنشر، ۱۹۰۵م.
۳. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **فتاوی نور علی الدرب**، ریاض: نشر جامعه ال سعود، ۱۴۲۵ق.
۴. احمد، امین، **الانسانية فی الاسلام**، قاهر: همجلة الثقافة، ۱۴۱۳ق.
۵. اسدعلی زاده، اکبر، **چالش های فکری و سیاسی وهابیت**، قم: دین و رسانه، ۱۳۸۵ش.
۶. امام جمعه زاده، جواد، رهبر قاضی، محمودرضا، محمود اوغلو، رضا، «چرخش گفتمانی در راهبردهای اسلام گرایان ترکیه و علل آن»، **آفاق امنیت**، بهار ۱۳۸۹ش.
۷. آل شیخ، عبداللطیف، **مصباح الظلام فی الرد علی من کذب الشیخ الإمام ونسبه إلى تکفیر أهل الإیمان والإسلام**، ریاض: وزرات اوقاف عربستان، ۱۴۲۵ق.
۸. آل شیخ، صالح بن عبدالعزیز، **التمهید لشرح کتاب التوحید**، ریاض: نشر دارالهدی، ۱۴۱۲ق.
۹. أبوطامی، احمد بن حجر، **العقائد السلفية بادلتهما العقلية والعقلية**، قطر: مطابع علی ابن علی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۰. اسلامی، رضا، **مدخل علم فقه**، قم: نشر متون درسی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸ش.
۱۱. ابن عبدالوهاب، محمد، **کشف الشبهات**، ریاض: دارالهدی، ۱۴۱۲ق.
۱۲. ابن عبدالوهاب، محمد، **کتاب التوحید**، ریاض: دارالنشرللجامعه بن سعود، ۱۴۱۱ق.
۱۳. بابای آریا، علی، **جریان شناسی تاریخی فقه سلفی**، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۸ش.
۱۴. ابن عبدالوهاب، محمد، **أصول الدین الإسلامي مع قواعد الأربع**، عمان: دار الحدیث الخیریه، منشورات وطنی، ۱۴۳۹ق.
۱۵. ابن عبدالوهاب، محمد، **الرسائل الشخصية**، ریاض: دانشگاه محمد بن سعود، ۱۴۱۵ق.
۱۶. ابن عثیمین، محمد، **مجموع فتاوی و رسائل**، ریاض: دارالوطن للنشر، ۱۴۱۳ق.
۱۷. البناء، حسن، «الطریق من هنا»، **روزنامه اخوان المسلمین**، ش ۶۸۹، ۱۹۴۸م.
۱۸. البناء، حسن، «العروبة و الاسلام»، **دوهفته نامه اخوان المسلمین**، ش ۱۸، ۱۹۴۵م.
۱۹. البناء، حسن، «آمال الدعوة الاسلامیة فی عهد الفاروق»، **الأخوان المسلمین**، ش ۲۷۸، ۱۹۴۷م.
۲۰. البناء، حسن، **رساله مؤتمر خامس**، بیروت: انتشارات عویدات، بی تا.
۲۱. البناء، حسن، **رسائل حسن البناء**، قاهره: دارالتربیه و التعلیم، ۱۴۳۳ق.
۲۲. بهمن آقایی، خسرو صفوی، **اخوان المسلمین تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت های جنبش اخوان المسلمین در يك قرن اخیر**، تهران: نشر رامین، ۱۳۶۵.
۲۳. تلمسانی عمر، **حسن البناء الملهم الموهوب**، قاهره: دار التوزیع والنشر الإسلامیة، 2000ق.

۲۴. حسینی، اسحاق، **اخوان المسلمین بزرگترین جنبش اسلامی مصر**، ترجمه: سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. خسروشاهی، سیدهادی، **اخوان المسلمین چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟**، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۸ ش.
۲۶. خسروشاهی، سیدهادی، «**اخوان المسلمین و ایران در گذر تاریخ**»، **فرهنگ اسلامی**، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.
۲۷. خسروشاهی، سیدهادی، **حرکتهای اسلامی معاصر استراتژی نظام و مسئله شیعه و سنی**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
۲۸. خسروشاهی، هادی، **حرکتهای اسلامی معاصر استراتژی نظام و مسئله شیعه و سنی**، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
۲۹. روحانی حمید، **بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی**، قم: راه امام، ۱۳۵۹ ش.
۳۰. زندی مهدی، «**تبیین مرز تکفیر در اندیشه مخالفین شیعه با تأکید برگونه‌شناسی تکفیر**»، **مطالعات شیعه‌شناختی**، ۱۴۰۲ ش.
۳۱. سمصار، صالح، **نظام الخلافه فی الفكر السياسي**، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه الجزایر، بی‌تا.
۳۲. سید، قطب، **فی تاریخ فکرة و منهج**، قاهره: انتشارات مسلمون، ۱۳۵۹ م.
۳۳. سید، قطب، **فی ظلال القرآن**، مصر: دارالشروق، ۱۴۲۲ ق.
۳۴. سید، قطب، **معالم فی الطريق**، تهران: دارالنشر الاسلامی، ۱۳۹۳ م.
۳۵. قطب، سیدابراهیم حسین، **المستقبل لهذا الدین**، قاهره: دارالنشر، ۱۹۸۵ م.
۳۶. شوح، خالد، **التيارات الدينية فی السعودیه**، ریاض: انتشارات عربی، ۲۰۱۲ م.
۳۷. آئینه‌وند، صادق، فرهی، عبدالله، «**بررسی سیر رشد و ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین**»، **مجله فروغ**، شماره ۲۶، ۱۳۹۰ ش.
۳۸. فیرحی، عبدالله، **جنبش اخوان المسلمین**، تهران: مرکز پژوهش‌های جوان، الغدیر، ۱۳۹۵ ش.
۳۹. حبیبی، محمدرضا و دیگران، «**مقایسه نظریه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره) و خلافت اسلامی اخوان المسلمین در اندیشه حسن البنا**»، **رهیافت انقلاب اسلامی**، شماره: ۵۵، ۱۴۰۰ ش.
۴۰. تلمسانی، عمر، **شهید المحراب عمر بن الخطاب**، بی‌جا: دارالتوزیع و النشر الاسلامیه، ۱۹۷۴ م.
۴۱. غزالی جیلی، زینب، **ایام من حیاتی**، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
۴۲. فرمانیان، مهدی، «**سلفیه و تقریب**»، **مجله هفت آسمان**، ۱۳۸۹ ش.

۴۳. کاشانیان مصطفی، **جریان شناسی سلفی گری**، قم: دارالاعلام، ۱۳۹۶ش.
۴۴. مرادی، مجید، «نظریه دولت در اندیشه حسن البنا»، **مجله علوم سیاسی**، ش ۱۹، ۱۳۸۱ش.
۴۵. مصلحی وادقانی، صادق، **اخوان المسلمین**، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل بیت، ۱۳۹۷ش.
۴۶. معینی فر، محمد، فرمانیان، مهدی، «رابطه توسل، شفاعت واستغاثه؛ بازخوانی محل نزاع و نقد آن»، **دو فصل نامه سلفی پژوهی**، شماره ۱، ۱۳۹۴ش.
۴۷. واعی، توفیق، **اخوان المسلمین کبری حرکات الاسلامیه**، بی جا: مکتبه المنار الاسلامیه، ۲۰۰۱م.

48. <https://www.cgie.org.ir/fa/article/>

49. <https://elibana.org/vb/node/3389>

50. <https://www.elbeialy.com/catplay.php?catsmktba=2567>

51. <https://www.dorar-aliraq.net/threads/>

52. <https://www.noor-book.com/en/ebook->